



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

A Comparative Study of City and Village Islamic Councils with the Components of the Representative System

Ayatollah Jalili¹, Ehsan Movahedipoor²

1. Assistant Prof., Dep of Public Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author).

E-mail: ayatjalili@yahoo.com

2. Ph.D Student of Public Law Dep., Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. E-mail: movahediehsan1986@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

The democracy system is based on the representation of modern political concepts on which most modern democracies base their government structure. In the representative system, governments do not claim to rule over the people, but they claim to be represented by the people and act on their behalf, and in this way the people are able to rule themselves. The representative system has components such as elections, monitoring, accountability, immunity of the nation's representatives, etc. Therefore, in this descriptive-analytical research, we intend to explain and analyze the conditions of the candidates, the qualifications and supervision of the city and village Islamic councils, which according to the seventh principle of the Iranian constitution are local decentralized organizations. One of the main elements of decision-making and administration of the country's affairs is to match the components of the representative system. This research has two parts, the first part is about the system of representation and its components, and the second part is about Islamic city and village councils and its compliance with the components of representation.

Article history:

Received 5 May 2024

Received in revised form 2 June 2024

Accepted 21 June 2024

Available online 30 June 2024

Keywords:

Islamic city and village council,
representative system,
elections,
will of the nation

Cite this article: Jalili, Ayatollah., Movahedipoor, Ehsan. (2024). A comparative study of city and village Islamic councils with the components of the representative system. *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 2 (2), 49- 67. <http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2026367.1040>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2026367.1040>

Publisher: Ilam University.



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

مطالعه تطبیقی شوراهای اسلامی شهر و روستا با مؤلفه‌های نظام نمایندگی

آیت اله جلیلی^۱ | احسان موحدی پور^۲

۱. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: ayatjalili@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: movahediehsan1986@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نظام دموکراسی مبتنی بر نمایندگی از مفاهیم سیاسی مدرن است که اکثر دموکراسی‌های مدرن، ساختار حکومتشان را بر پایه آن قرار می‌دهند. در نظام نمایندگی، حکومت‌ها مدعی فرمانروایی بر مردم نیستند، بلکه مدعی نمایندگی از سوی مردم است و به نمایندگی آن‌ها عمل می‌کند و از این رهگذر مردم قادر به حکومت بر خود می‌شوند. نظام نمایندگی دارای مؤلفه‌هایی است که عبارت‌اند از انتخابات، نظارت‌پذیری، پاسخ‌گویی، مصونیت داشتن نمایندگان ملت و غیره است. از این‌رو در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی است، بر آنیم تا ضمن تبیین و تحلیل شرایط نامزدها، صلاحیت‌ها و نظارت بر شوراهای اسلامی شهر و روستا که از جمله سازمان‌های غیرمتمرکز محلی هستند و مطابق اصل هفتم قانون اساسی از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند با مؤلفه‌های نظام نمایندگی مطابقت دهیم. این پژوهش دارای دو بخش است که بخش نخست راجع به نظام نمایندگی و مؤلفه‌های آن است و بخش دوم مربوط به شوراهای اسلامی شهر و روستا و مطابقت آن با مؤلفه‌های نمایندگی است.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰

کلیدواژه‌ها:

شورای اسلامی شهر و روستا،

نظام نمایندگی،

انتخابات،

اراده ملت.

استناد: جلیلی، آیت اله؛ موحدی پور، احسان (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی شوراهای اسلامی شهر و روستا با مؤلفه‌های نظام نمایندگی. *مطالعات تطبیقی*

حقوق کشورهای اسلامی، ۲ (۲)، ۴۹-۶۷.

<http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2026367.1040>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



مقدمه

وجود شوراهای اسلامی در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران مبین توزیع قدرت در نظام جمهوری اسلامی ایران است، چراکه مبانی دینی مندرج در قانون اساسی با نظر و آراء مردم ارتباط مستقیمی دارد و این نهاد فقط در حیطه اجرا نیست، بلکه می‌تواند در سایر شئون هم موضوعیت داشته باشد. با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران و گرایش جامعه انقلابی به مردمی کردن امور، موضوع شوراهای حتی قبل از تدوین قانون اساسی در متن امور قرار گرفت. قانون‌گذار اساسی نیز پس از بیان اصل حاکمیت مردم این موضوع را، به‌عنوان رکن تصمیم‌گیری و اداره امور کشور، در ردیف اصول کلی و تعیین‌کننده مقرر نمود (هاشمی، ۱۳۸۶: ۴۸۶). به‌نحوی که فصل هفتم قانون اساسی (اصول یک‌صدم تا یک‌صد و ششم) به امر شوراهای به‌ویژه شوراهای محلی پرداخته است؛ بنابراین اختصاص چند اصل از اصول قانون اساسی به موضوع شوراهای اسلامی شهر و روستا، نشان از اهمیت فراوان و جایگاه رفیع این نهاد مردمی دارد. اصل هفتم قانون اساسی، شوراهای را در ردیف مجلس شورای اسلامی از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور، قلمداد نموده است و بدون تردید نمی‌توان از این مفهوم به نحوی برداشت نمود که شوراهای یکی از ارکان تصمیم‌گیری در قالب ارائه شور و مشورت هستند. همان‌گونه که مجلس در اداره امور کشور به تصمیم‌گیری و ضابطه‌گذاری می‌پردازد، شوراهای نیز در همین قالب و در چارچوب سایر اصول به ضابطه‌گذاری و تصمیم‌گیری می‌پردازند. در قانون اساسی؛ قانون‌گذار اساسی به جایگاه مشورتی شورا اکتفا ننموده و بر لزوم این که شوراهای ابزاری جهت ایفای نقش مردم در اداره امور کشور و اتخاذ تصمیم از سوی آن‌ها می‌باشد، تأکید داشته است. مهم‌ترین مسئله اصلی در این پژوهش این است که شرایط و صلاحیت شوراهای اسلامی شهر و روستا و نظارت بر آن‌ها تا چه میزانی با مؤلفه‌های نظام نمایندگی مطابقت دارد. در ادامه ضمن برشمردن مؤلفه‌های نظام نمایندگی، میزان انطباق شوراهای اسلامی شهر و روستا را با این مؤلفه‌ها بررسی و تحلیل می‌نماییم.

۱. نظریه نمایندگی

سی‌س اندیشمند بزرگ فرانسوی اصل نمایندگی را به‌عنوان واقعیتی مدرن در جامعه مورد توجه قرار می‌دهد و معتقد است که «قدرت سیاسی از مفهوم نمایندگی ناشی می‌شود و نظام مبتنی بر نمایندگی نظامی است که مردم در یک فرآیند انتخاباتی، فرمانروایان خویش را برمی‌گزینند، او تأکید می‌کند نمایندگی نه‌تنها موجب مشروعیت قدرت می‌گردد بلکه قدرتی مشروع است که منحصرأ و تماماً از یک نظام نمایندگی تولید می‌شود و به حیات خود ادامه می‌دهد. بر همین اساس مردم در جایگاه قدرت مؤسس هیچ‌گاه از وضعیت طبیعی خارج نمی‌شوند و در همین راستا امکان استرداد و قدرت سیاسی از حکومت وجود دارد» (دبیرنیا، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

نظریه نمایندگی از مفاهیم مدرن و جدید است که تمامی دموکراسی‌های مدرن نظام حکومتی خود را بر پایه آن قرار می‌دهند. به‌عبارت‌دیگر، حکومت مدعی فرمانروایی بر مردم نیست بلکه مدعی نمایندگی از سوی مردم است و از طرف آن‌ها و به نیابت از سوی آن‌ها عمل می‌کند؛ یعنی در اصل، مردم حاکم و فرمانروا هستند و حکومت تنها به نمایندگی از آن‌ها عمل می‌کند (لاگلین، ۱۳۸۸: ۱۳۷). تنها با این نظریه است که مردم تبدیل به شهروند می‌شوند. از این رو، حکومت به نمایندگی را باید به‌منزله روشی نگریند که مردم بدان طریق قادر به حکومت بر خود می‌شوند (لاگلین، ۱۳۸۸: ۱۳۷). نمایندگی از دیدگاه پیت کین عبارت است از یک حق انسانی مرتبط با اظهار نظر کردن و تصمیم‌گیری در خصوص هرآن چه که توسط خود اتفاق می‌افتد، می‌باشد و از این جهت با اندیشه حکومت بر خود با خود حکومتی پیوند خورده است (Rush, Marx, 1985:2).

نماینده‌گی مبتنی بر قرارداد اجتماعی است که یکی ارکان اصلی دولت‌های مدرن در نظام‌های غربی است. مردم در نظام نماینده‌گی مقداری از آزادی خود را به دولت واگذار کنند و در حقیقت دولت و صاحب‌منصبان آن در جامعه نمایندگان مردم در جامعه محسوب می‌شوند. بدین ترتیب، دولت از طریق نماینده‌گی به وجود می‌آید تا به‌عنوان نماینده مردم، خواسته‌های آن‌ها را اجرا نماید و مسئولیت‌ها و انتخاب‌ها هم به‌صورت غیرمستقیم در قالب نظریه نماینده‌گی به صاحبان آن واگذار می‌گردد. در واقع یک تحلیل حقوقی این است که ملت با اراده خودشان باعث به وجود آمدن قدرت در دولت می‌شوند، یعنی مردم اصیل هستند و در قالب نظام نماینده‌گی، قدرت خود را در راستای صیانت از منافع و امنیت، آزادی و خواسته‌هایشان به دولت واگذار می‌کنند.

۱-۱. پیشینه نظریه نماینده‌گی

همان‌گونه که در بحث نظریه نماینده‌گی بیان کردیم، نماینده‌گی از مفاهیم مدرن و جدید است. جیمز میل در سال ۱۸۲۰ بیان داشت که نماینده‌گی هم چون کشف عظیمی در عصر نوین است (دال رابرت، ۱۳۸۷: ۱۳۸). آن طوری که کنستانت به‌راستی بر این باور بود که وضع بشر در دوران باستان به نحوی بود که اجازه نمی‌داد نهادی از درون این مفهوم شکل بگیرد (کنستانت، ۱۳۸۹: ۵۳). با این اوصاف مفهوم نماینده‌گی دارای رشد تاریخی در نظام حقوقی غرب است که دچار تغییر از تحولاتی عیدیه‌ای گشته است تا سرانجام به تکامل رسید. (Brich, 1971: 22) در دموکراسی‌های عصر باستان که مبتنی بر مشارکت مستقیم شهروندان بود، نماینده‌گی وجود نداشت، غالباً مقامات سیاسی برحسب قرعه، وراثت یا غیره انتخاب می‌شد و قدرت را بین خودشان دست به دست می‌کردند ولی در دموکراسی‌های جدید وضعیت متفاوت از عصر باستان است چراکه به علت گستردگی جوامع و پیچیدگی امور، عملاً امکان مشارکت مستقیم شهروندان در حکومت وجود ندارد و به همین دلیل وجود نهاد نماینده‌گی ضروری به نظر می‌رسد (ملک افضلی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۴).

۱-۲. تعریف نماینده‌گی

واژه نماینده در لغت به معنای «نشان‌دهنده، ظاهرکننده، عرضه‌کننده، نمایش‌دهنده» می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۰۱۰۵). اما در اصطلاح عام حقوقی «عنوان کسی است که عملی را برای دیگری و به نام او انجام دهد و این یا به‌حسب قدرت قانونی مشخص است که به او نماینده قانونی گویند و یا به‌حسب اختیار ناشی از عقدی است که در این صورت نماینده قراردادی نام دارد. نماینده‌گی در اصطلاح عام، خود، اعم از وکالت، ولایت بر محجورین، وصایت و قیمومیت و مانند این‌هاست» (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۷: ۳۶۹). ولی در اصطلاح حقوق اساسی شخص نماینده در واقع منتخب مردم در مجلس شورا به‌حساب می‌آید، «نماینده‌گی منصبی است که از طریق آراء عمومی و انتخابات فعلیت می‌یابد و از طریق آن حاکمیت ملی اعمال می‌گردد» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۲۱). نماینده‌گی در حقوق عمومی معادل «وکالت در حقوق خصوصی است» (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۷۳۹) و آن را نوعی وکالت جمعی به‌حساب آورده‌اند که در عرصه سیاسی کاربرد دارد (مؤتمنی طباطبایی، ۱۳۸۰: ۷۶). همچنین کسانی نیز نماینده‌گی (منتخبان مردم) را وکیل و مردم را موکل آنان برشمرده‌اند (بوشهری، ۱۳۸۴: ۱۰۹)، اما منظور ما از تعریف نماینده‌گی در این پژوهش معنای اخص نماینده‌گی می‌باشد که به نماینده، مردمان در شوراهای اسلامی می‌باشد؛ بنابراین در اصطلاح حقوق اساسی امروزه نماینده به معنای خاص طبق قوانین و مقررات موجود به کسی گفته می‌شود که پس از اعلام کاندیداتوری و تأیید مراجع ذیصلاح توسط آراء همه مردم یا اکثریت آنان به‌عنوان نماینده در شورا یا پارلمان انتخاب گردد (ملک افضلی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۶).

۱-۳. اهمیت نظام نمایندگی

مفهوم نمایندگی به حدی مهم است (پیش‌تر اشاره کردیم) که تمامی دموکراسی‌های مدرن نظام حکومتی خود را بر پایه آن قرار می‌دهند. اهمیت این مسئله به حدی مهم است که حتی فهم مشروطیت و نظام مبتنی بر قانون اساسی را وابسته به مفهوم نمایندگی می‌داند (لاگلین، ۱۳۸۸: ۱۶۸). مفهوم نمایندگی معمولاً ریشه‌های متعددی فارغ از بحث مبنایی دارد و ما در این بخش از پژوهش بنا داریم به صورت مختصر ریشه‌ها و مؤلفه‌های نظام نمایندگی را بیان و تحلیل نماییم.

یکی از ریشه‌های مهم مفهوم نمایندگی، مربوط به قرون وسطی است. تحولات مختلفی در قرون وسطی در خصوص نمایندگی اتفاق افتاد از جمله این تحولات در خصوص پادشاهانی بود که نمایندگانی را خودشان گزینش می‌کردند تا به دعاوی رسیدگی و نظم را برقرار سازند. برای مثال در فرانسه در قرن سیزده میلادی چند طبقه در این جلسات شرکت کردند، البته باید گفت که هیچ‌گاه این جلسات به صورت منظم برگزار نشد. نمایندگی در قرون وسطی با مفهوم اصناف هم مرتبط بوده چراکه مردم در آن مورد افراد نبودند بلکه جزئی از گروه‌ها بودند و این یکی از دلایل مجالس طبقاتی در سده‌های میانی بود و اولین مجمع نمایندگی در سال ۱۱۸۸ در اسپانیا تشکیل شد که اشراف و اسقف‌ها برای ملل جمع می‌شدند (Marongiu. Antion, 1968:47). همچنین در قرون وسطی این اندیشه تقویت گردید که قدرت به مردم تعلق دارد. برای مثال جان فورسکیو معتقد بود که شاه یا حاکم باید از جان و مال و زمین مردمش حمایت کند، چراکه قدرت از طرف مردم آمده است (Christopher, 1985:57). آدموند برک در خصوص اراده ملت که در پارلمان متجلی است، بر این باور است که پارلمان مجمعی متعادل از ملت است که منافع آن شامل همه مردم می‌شود و حسادت‌های محلی نباید جایگزین راهنمای تصمیم‌گیری‌های جمعی شود (Eulau Heinz, 1959:44). این مطلب به خوبی نشانگر این مسئله مهم است که حاکم یا پادشاه نقش نمایندگی صاحبان اصلی قدرت را دارد و این قدرت از طرف صاحبان اصلی قدرت یعنی مردم به او داده شده است. اندیشه نمایندگی در این سده‌ها در کلیسا نیز وجود داشت چراکه پاپ را نماینده خدا بر زمین می‌دانستند (Brich. 1971: 23).

۱-۴. مؤلفه‌های نظام نمایندگی

نظام نمایندگی دارای دو صورت است؛ نمایندگی شکلی و ماهوی. در نمایندگی شکلی تمام مقامات برگزیده مردم هستند، چه به صورت مستقیم و یا به صورت غیرمستقیم. در نمایندگی ماهوی، آنچه اهمیت دارد، تحقق روح نمایندگی است. به عبارت دیگر، مردم نه تنها در فرایند شکلی، نمایندگان خویش را انتخاب می‌نمایند، بلکه نمایندگان مکلف‌اند تا به طور مستمر خواست‌ها و اراده ملت را به منصف ظهور برسانند؛ بنابراین به نظر می‌رسد در برخی از نظریه‌های سیاسی مانند دیدگاه هابز، آنچه محقق می‌شود همان نمایندگی شکلی است و هیچ تضمینی برای تحقق نمایندگی ماهوی وجود ندارد. در این قسمت مؤلفه‌های نظام نمایندگی به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۴-۱. ملی بودن

یکی از مؤلفه‌های نظام نمایندگی، ملی بودن نمایندگان است که از مؤلفه‌های شکلی تلقی می‌گردد. به طور مثال در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران هر چند نمایندگان منتخب و برگزیده از حوزه انتخابیه مشخصی هستند اما مطابق با اصل هفتاد و چهارم قانون اساسی، نمایندگی آن‌ها خاص حوزه انتخابیه خود نیست بلکه نمایندگی آن‌ها عام و برای تمام ملت است و به همین جهت، هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی اظهار و نظر کند؛ بنابراین در این نوع نظام، صلاحیت نماینده مردم ملی است و اصل بر ملی بودن است.

۱-۴-۲. قائم به شخص بودن

در نظام‌های مبتنی بر نظام نمایندگی، سمت نمایندگی قائم به شخص و غیرقابل تفویض است. در نظام حقوقی کشور ما هم مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی «نماینده قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست» و این سمت تنها از طریق انتخابات حاصل می‌شود و اراده ملت در امر حاکمیت اصولاً از طریق منتخبین آن‌ها قابل اعمال خواهد بود. وقتی مردم کسی را به‌عنوان نماینده انتخاب می‌کنند (و) وکیل مردم است ولی وکیل در توکیل نمی‌تواند باشد (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۲: ۸۳۴)؛ زیرا تفویض نمایندگی به دیگری می‌تواند موجبات تضعیف حاکمیت مردم گردد. در هر صورت تأکید قانون اساسی به قائم به شخص بودن نمایندگان یا غیرقابل تفویض بودن از نمایندگی، امکان تفویض سمت نمایندگی را سلب نموده است. بر همین اساس، در رابطه با شوراهای اسلامی شهر و روستا باید گفت که اراده حاکمیت ملت در اداره و امور محلی تنها از طریق برگزیدگان یا منتخبین آن‌ها قابل اعمال است؛ بنابراین این سمت به تاسی از تأکید قانون اساسی در نظام حقوقی کشورمان که مبتنی بر امر نمایندگی می‌باشد، قابل تفویض به دیگری نیست.

۱-۴-۳. پاسخگویی

پاسخ‌گویی مقامات و زمامداران سیاسی یکی از راه‌های پیشگیری از فساد سیاسی است. پاسخگویی اساساً در نظام‌های مبتنی بر نظام نمایندگی معنا پیدا می‌کند یعنی جایی که رابطه و ارتباط بین مردم و حاکمان بر اساس رابطه اصیل (مردم) و وکیل (حاکمان) طراحی شده است. در چنین ارتباطی، شرایط و ارتباط معمولاً مشخص است و حاکمان به‌عنوان نمایندگان شهروندان تنها مجازند تا در محدوده معین اقدام نمایند. هنگامی که قدرت تصمیم‌گیری توسط مردم به مقامات سیاسی سپرده می‌شود، ضرورت دارد مکانیسمی طراحی شود تا بر اساس آن نماینده مردم بابت اقداماتی که انجام می‌دهد در برابر اصیل پاسخگو باشد که در صورت ارتکاب تخلف ضمانت اجرای آن غالباً تنبیه و یا این که توسط اصیل از سمتش عزل می‌شود (وکیلان، ۱۳۹۰: ۷۰-۶۹)؛ بنابراین در نظام‌های مبتنی بر نمایندگی، پاسخگویی مقامات، حاکمان و صاحب‌منصبان سیاسی در مقابل شهروندان (اصیل) از وظایف اصلی آن‌ها می‌باشد و این حق طبیعی مردم (اصیل) است تا مقامات و صاحب‌منصبان سیاسی را که نیابتاً نماینده مردم هستند به پاسخگویی درباره اقدامات و عملکرد خود در برابر شهروندان، عموم جامعه و حتی دستگاه‌های نظارتی ملزم نمایند. حق اصیل (مردم) به مجازات و تنبیه وکیل (نمایندگان مردم) در صورتی است که وکیل از پاسخ‌گویی طفره رود و آگاهی یا توضیح و توجیه کافی در قبال عملکرد، تصمیمات و اقداماتش به اصیل ارائه نکند (Lindberg, 2009: 8).

پاسخ‌گویی به اعتبار این که مرجع ناظر مردم باشند یا سایر نهادهای حکومتی، به پاسخ‌گویی عمومی واقعی تقسیم می‌شود (وکیلان، ۱۳۹۰: ۷۰-۶۹). در اینجا پاسخ‌گویی در نظرها پاسخ‌گویی عمودی (متجلی در انتخابات) خواهد بود. چراکه منظور از پاسخ‌گویی عمودی نظارت شهروندان بر مقامات یا صاحب‌منصبانی که از طریق انتخابات توسط مردم (اصیل) به نمایندگی آن‌ها در جهت اداره امور عمومی انتخاب شدند که ناشی از تحلیل رابطه اصیل (مردم) و وکیل (نمایندگان مردم) است. مهم‌ترین نظارت عمومی اصیل در نظام‌های نمایندگی، انتخابات می‌باشد زیرا انتخابات دوره‌ای می‌باشد و در هر دوره مقامات سیاسی برای انتخاب مجدد نیاز به آراء مردم دارند. بدیهی است در یک ساختار سیاسی قدرت اصلی متعلق به مردم است که به صورت محدود و معین به مقامات سیاسی سپرده‌اند، در صورت نارضایتی از حاکمان، مردم می‌توانند از تفویض قدرت خود رجوع کنند و افراد دیگری را جایگزین نمایند.

۱-۴-۴. انتخابات

انتخابات ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری ساختارها و نهادهای سیاسی و تعیین مقامات سیاسی و صاحب‌منصبانی دارای اعمال اقتدار سیاسی دخالت داد. یکی از مشخصات انتخابات، خصلت انتخابی بودن آن است یعنی در چارچوب قوانین افراد می‌توانند در انتخابات نامزد شوند و دیگر اینکه رأی‌دهندگان می‌توانند از میان نامزدهای اعلام شده؛ آزادانه، آنانی را که بیشتر با سلیقه آنان همخوانی دارد را انتخاب کنند (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۸: ۲۹۵-۲۹۴). انتخابات یکی از راه‌های تحقق مشارکت سیاسی شهروندان است و برگزاری آن یکی از مؤلفه‌های اساسی نظام نمایندگی می‌باشد. همچنین باید اذعان داشت که انتخابات حلقه ارتباطی بین مردم با امر نمایندگی، جهت تأمین اهداف و انتظام امور اجتماعی، تضمین حاکمیت مردم، کنترل قدرت توسط مردم و تأمین نیازها و خواسته‌های آن‌ها می‌باشد (خسروی، ۱۳۸۷: ۹۹-۹۸). انتخابات «آیینی است که از طریق آن هیأت انتخاب‌کنندگان نمایندگی را به شخص یا اشخاصی که توسط رأی خود برمی‌گزینند اعطا می‌کند» (De Villiers, 1999: 92).

انتخابات در کشورهایی که دارای نظام مردم‌سالار و مبتنی بر دموکراسی می‌باشند، شهروندان شرکت در انتخابات را یکی از وظایف و تکالیف اجتماعی خود می‌دانند و معتقدند با مشارکت سیاسی در اداره امور عمومی کشور نقش ایفا می‌نمایند. از این رو با مشارکت خود در امر انتخابات از دولت می‌خواهند که برای آراء آن‌ها ارزش قائل شود و دیگر این که بر این باورند که مشروعیت یک نظام و حکومت یا دولت ناشی از اراده عمومی ملت می‌باشد زیرا زمامداران و مقامات حکومت با آراء مردم انتخاب می‌شوند؛ بنابراین مشروعیت و مقبولیت حکومت ناشی از اراده مردم است و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۶ این حق همگانی که مربوط به انتخابات و ریاست جمهوری، شورا و... می‌باشد مورد شناسایی قرار داده است (مظهری، محمد، ۱۳۹۵: ۷۲۶)؛ بنابراین اصول اساسی قانون اساسی عبارت‌اند از: برابری حق رأی، همگانی بودن حق رأی، آزاد بودن حق رأی، مخفی بودن و شخصی بودن حق رأی یا درست و سالم بودن انتخابات در مراحل اجرا و نظارت.

الف- برابری حق رأی: برابری رأی در مورد کلیه شهروندان ایجاب می‌کند که رأی‌دهنده حق داشته باشد، فقط یک بار رأی دهد. این شیوه امروزه در اکثر کشورهای جهان سوم مرسوم است بنابراین رأی برابر با ماهیت تساوی حقوقی افراد در زمینه تعیین کارگزاران دولت بیشتر سازگاری دارد.

ب- شخصی بودن حق رأی: از آنجایی که آشکار بودن رأی به آزادی انتخابات لطمه می‌زند؛ بنابراین مخفی بودن رأی، تضمینی برای آزادی رأی‌دهنده و در نتیجه درستی انتخابات تلقی می‌شود. در حال حاضر اکثر کشورها تلاششان بر این است که این خصلت مخفی بودن آراء ملت در انتخابات حفظ شود.

ج- شخصی بودن حق رأی: رأی باید به‌عنوان حق شخصی هر فرد تلقی گردد تا هر فرد شخصاً در مورد سرنوشتش تصمیم بگیرد.

د- مشارکت فعال همگانی: در یک انتخابات واقعی و آزاد، تعداد زیادی از شهروندان که واجد شرایط رأی دادن باشند باید در انتخابات حضور فعال داشته باشند. البته این حضور باید آگاهانه با وجود شرایط برابر و توأم با آزادی‌های مختلف سیاسی باشد (خسروی، ۱۳۸۷: ۳۵).

۱-۴-۵. برابری

اصل برابری یکی از مهم‌ترین اصول حقوقی است، قانون‌گذار اساسی برابری در حقوق انتخاباتی را به‌صراحت در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شناسایی نکرده است (تقی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۷)؛ اما از سایر اصول قانون اساسی از جمله اصول نوزدهم و بیستم

همچنین بندهای ۹ و ۱۴ اصل سوم قانون اساسی می‌توان لزوم اصل برابری را استنباط نمود. اعمال اصل برابری در حقوق انتخابات از دو منظر قابل بررسی است؛ اصل برابری در قانون و اصل برابری در مقابل قانون. برخلاف برابری در قانون که مربوط به نهادهای واضع هنجارهای حقوقی است، برابری در مقابل قانون مربوط به نهادهایی است که وظیفه اعمال هنجارهای حقوقی بر دوش آن‌هاست (همان، ۳۳) از این رو اصل برابری در مقابل قانون چنین اقتضا می‌نماید تا نهاد ناظر بر انتخابات به‌عنوان یکی از نهادهای مجری قواعد حقوقی مربوط به انتخابات این قواعد را به‌صورت برابر در مورد همه بازیگران انتخاباتی اعمال کند. لازمه برابری در اینجا بی‌طرفی ناظران انتخاباتی است. بی‌طرفی به این معنی است که با استناد به دلایل غیر مرتبط، کسی از شمول یک قاعده حقوقی مستثنا نشود و یا به دلایل غیر مرتبط، افراد غیرمشمول موضوع اجرای آن قاعده نگردند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۰: ۲۶۳-۲۶۲).

۱-۴-۶. مصونیت نمایندگان

مصونیت داشتن یکی دیگر از مؤلفه‌های ماهوی نظام‌های دموکراسی مبتنی بر نمایندگی است. مصونیت در اصلاح حقوقی عبارت است از معاف بودن برخی اشخاص از تعقیب قضایی و اجرایی، جزء در مواد ویژه‌ای که قانون آن را استثناء کرده است. امروزه اشکال گوناگونی از مصونیت در نظام‌های حقوقی ملی، فراملی و بین‌المللی وجود دارد و یکی از اشکال آن، مصونیت نمایندگان مجلس، می‌باشد (ضیایی و جلیلی مراد، ۱۳۹۳: ۶۴). اصولاً حق تعیین سرنوشت یک نظام و حکومت مردم‌سالار، بر عهده نمایندگان منتخب ملت است که به نیابت از همه اعضای آن در فرآیند تصمیم‌گیری و نظارت دخالت دارند. در چنین حالتی امتیاز و مصونیت پارلمانی به‌منزله دژ حامی و حافظ حاکمیت اراده ملی خواهد بود (حبیب زاده، ۱۳۸۲: ۶۶). مصونیت پارلمانی در نظام حقوقی کشور ما همانند دیگر کشورها نمی‌تواند مطلق باشد به‌رغم اینکه اصل ۸۶ قانون اساسی به مصونیت پارلمانی در نظام حقوقی ایران اشاره داشته است ولی به ابعاد گوناگون مصونیت اشاره‌ای نکرده است. هرچند در این باره مقرراتی از آیین‌نامه داخلی مجلس و تفاسیری از شورای نگهبان و اداره حقوقی قوه قضائیه موجود است اما هنوز قلمرو ماهوی و شکلی اعمال این مصونیت به‌طور دقیق مشخص نیست (ضیایی و جلیلی مراد، ۱۳۹۳: ۶۵). مصونیت پارلمانی امروزه در اکثر کشورهایی که قانون اساسی دارند به‌صورت اصلی بنیادین در نظر گرفته می‌شود و در کشورهایی که قانون اساسی مدون ندارند به‌صورت قاعده حقوقی پذیرفته شده است. این قاعده حقوقی مورد قبول اکثر کشورهای جهان در دو سطح «مصونیت شکلی» و «مصونیت ماهوی» است (See: Sasha Hardt, 2013, P. 16/ Simon Mcgee, 2001, p. 20).

در این نوشتار مصونیت نمایندگان در دو سطح ماهوی و شکلی را به‌اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف - قلمرو ماهوی مصونیت: منظور و مقصود از مصونیت ماهوی این است که نمایندگان مجلس قانون‌گذاری، به مناسبت گفتار، نوشتار و اعمال خود در اجرای وظایف و تکالیف قانونی، نباید مورد تعقیب و مؤاخذه قرار گیرند زیرا محدودیت یا سلب این حقوق، نقض غرض کارکرد تقنینی است (دادفر، ۱۳۴۲: ۲۰۷) برخی اقدامات و بیانات نمایندگان به‌گونه‌ای است که اگر از سوی شخص دیگری صادر شود، جرم محسوب می‌شود. این جرائم عموماً شامل عناوین مجرمانه تهمت، اشاعه اکاذیب، تشویش اذهان عمومی، اقدام علیه امنیت ملی و... می‌شود. هدف از اعطای مصونیت ماهوی به نماینده مجلس این است که نماینده با آزادی کامل وظیفه‌اش را که نوعاً انتقاد از مسائل و مشکلات کشور است انجام دهد (ضیایی و جلیلی مراد، ۱۳۹۳: ۶۸). هدف دیگر از مصونیت ماهوی این است که نماینده مجلس در حین ایفای وظیفه‌اش، ذیل نفوذ مراکز قدرت قرار نگیرد تا شأن و حرمت نماینده مخدوش نشود. (ابراهیمی، ۱۳۸۱، ۱۱۴).

ب- قلمروی شکلی: موضوع تعرض ناپذیری نمایندگان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آشکارا ذکر نشده است ولی از آنجا که مصونیت شکلی، مقدمه واجب مصونیت ماهوی است، می‌توان گفت مصونیت شکلی نمایندگان، مفروض قانون‌گذار اساسی ایران بوده است.

بر اساس اصل تعرض ناپذیری یا منع تعرض که نوعی مصونیت شکلی است، نمایندگان در صورت متهم شدن با ارتکاب جرم خارج از وظیفه نمایندگی‌شان از همان ابتدا از هرگونه تعقیب یا توقیف که مانع از ایفای وظیفه خطیر نمایندگی می‌شود، مستثنا هستند و از مصونیت برخوردارند (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۲۵). در واقع تخلفاتی که ممکن است از سوی نماینده خارج از چارچوب مجلس و وظایف نمایندگی‌اش صورت گیرد، می‌تواند نماینده را همانند دیگر افراد جامعه، مسئول نماید ولی برای انجام هر چه بهتر وظایف نمایندگی، لازم است تعقیب نماینده تابع تشریفات ویژه باشد و تشریفات عادی آیین دادرسی در این مورد جاری نباشد.

در مجلس خبرگان قانون اساسی، اصلی به مصونیت شکلی اختصاص داده شده بود (اصل ۷۱/۱) در این اصل، با تفکیک میان جرائم مشهود و غیر مشهود، اجازه مجلس و حضور یک نماینده مبعوث مجلس در جرائم مشهود و اطلاع‌رسانی به مجلس و محاکمه بدون خدشه به وظایف نمایندگی در جرائم غیر مشهود لازم شمرده شده بود. با وجود اختلاف‌های شدید و به خصوص تعارضات آن با مبانی شرعی، این اصل اساساً حذف گردید؛ بنابراین تنها اشاره‌ای شد که مجلس می‌تواند در آینده در این باره مواد قانونی لازم را به تصویب برساند. باین‌حال، هیچ‌گاه مسئله مصونیت شکلی، موضوع قانون یا آیین‌نامه داخلی مجلس قرار نگرفت (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۹۳۱-۹۴۰).

معمولاً در قوانین اساسی غالب کشورها مصونیت پارلمانی به‌عنوان یک امتیاز به سود نمایندگان پارلمان در برابر تعقیب قضایی که ممکن است از طرف حکومت یا اشخاص مطرح شود پیش‌بینی شده است. هدف از این مصونیت‌ها، تضمین آزادی بیان و عقیده و آزادی عمل نمایندگان در مقابل حکومت یا اشخاص است و فلسفه این کار این است که نماینده بدون ترس و واهمه از اتهامات بی‌پایه و بی‌اساس، مزاحمت و دشمنی‌ها وظایف نمایندگی را به جا آورد. مصونیت پارلمانی شامل دو چیز است؛ عدم مسئولیت و عدم تعرض. عدم مسئولیت به آزادی بیان و عقیده مرتبط است و این مورد در چارچوب و مقام وظایف نمایندگی در پارلمان است. عدم تعرض مربوط به اعمال و رفتار نماینده در بیرون از مجلس و خارج از وظایف نمایندگی است.

بنابراین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصونیت قضایی نمایندگان مجلس مورد شناسایی قرار نگرفته است. در مجموع باید پذیرفت که اصل «مصونیت ماهوی محدود» در حقوق ایران پذیرفته شده است و جز در مورد مصونیت موضوعی، مصونیت مطلق وجود ندارد. هرچند تا اندازه‌ای قلمروی مصونیت شکلی و ماهوی نمایندگان مجلس تا اندازه‌ای در نظام حقوقی کشور ما مشخص است ولی همچنان ابهام وجود دارد که لازم است در رویه قانونی و قضایی ایران تکمیل گردد. لازم است قانون‌گذار ایران با توجه به مبانی اصل مصونیت و اصول انصاف در تعیین قلمرو دقیق مصونیت پارلمانی در حقوق ایران اقدام لازم را به عمل آورد.

۱-۴-۷. نظارت بر نمایندگی

نظارت داشتن از دیگر مؤلفه‌های ماهوی نظام نمایندگی است. همان‌گونه که در ابتدای پژوهش حاضر بیان شده است، نظام دموکراسی مبتنی بر نمایندگی، نظامی است که مردم در یک فرآیند انتخاباتی، فرمانروایان خویش را برمی‌گزینند؛ بنابراین در یک فرآیند انتخاباتی،

حاکمان یا مقامات سیاسی به سمت نمایندگی توسط مردم انتخاب می‌شوند. انتخابات یکی از مؤلفه‌های شکلی و اساس نظام نمایندگی می‌باشد و به همین دلیل، نظارت بر انتخابات در قوانین اساسی کشور مورد توجه قرار گرفته و غالباً تلاش بر این بوده است که ناظران در امر انتخابات ذی‌نفع نباشند.

از آنجاکه در این قسمت تلاش بر این است تا نحوه نظارت بر نمایندگی را در نظام نمایندگی بیان و به اختصار تحلیل نماییم لذا از امر انتخابات^۱ صرف‌نظر نموده و به انواع نظارت در نظام حقوقی ایران می‌پردازیم. در نظام حقوقی کشور ما مطابق ماده ۲ قانون نظارت بر رفتار نمایندگان چنین اشعار می‌دارد:

هیأت [نظارت بر نمایندگان] صلاحیت رسیدگی به امور ذیل را دارد. الف: گزارش‌های واصله درباره سوءاستفاده و تخلف مالی یا اخلاقی نماینده و درآمدها و هزینه‌های غیرمعارف وی. ب: گزارش‌های مربوط به رفتار خلاف شئون زندگی. ج: گزارش واصله درباره اعمال خلاف امنیت ملی کشور و سایر اعمال مجرمانه از بعد انتظامی. ت: گزارش هیأت رئیسه درباره غیبت، تأخیر و بی‌نظمی نماینده. به نظر می‌رسد این قانون، صلاحیت هیأت نظارت بر رفتار نمایندگان را جایگزین صلاحیت محاکم قضایی کرده است لذا مصونیت شکلی برای نمایندگان به رسمیت شناخته شده است. باید توجه داشت همین ماده بر امکان تعقیب محاکم قضایی تأکید می‌کند و بیان می‌دارد: «تعقیب کیفری نماینده در واقع رسیدگی به تخلفات موضوع این قانون و شئون نمایندگی نیست» بنابراین همان‌گونه که در قسمت مصونیت ذکر کردیم، هرچند مصونیت شکلی، شرط لازم برای مصونیت ماهوی است اما در حقوق ایران چنین مصونیتی بر نمایندگان شناسایی نشده است.

نظارت انواعی دارد که عبارت‌اند از الف: نظارت مالی. ب: نظارت سیاسی. ج: نظارت قیمومیتی. د: نظارت مردمی؛ که به مهم‌ترین نوع نظارت که مرتبط با نظام نمایندگی است می‌پردازیم.

نظارت مردمی (نظارت عمومی) نظارتی غیررسمی است و به عبارتی دیگر می‌توان از آن تحت عنوان نظام نمایندگی غیررسمی نام برد. یکی از اهداف مهم نظارت مردمی در ساختار سیاسی آن است که از سوءاستفاده و فساد سیاسی و اداری پیشگیری نماید و بدین ترتیب، نظارت عمومی ویژگی حکمرانی خوب در اندیشه اسلامی است. ویژگی‌های حکمرانی خوب را با توجه به گزارش سازمان ملل، می‌توان شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و انعطاف‌پذیری دولت برشمرد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که محورهای مهمی از این ویژگی‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به نظارت عمومی بازمی‌گردد (نوروزی، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۱). معمولاً در تمامی دموکراسی‌ها مبتنی بر نظام نمایندگی مقامات سیاسی و صاحب‌منصبانی که توسط ملت برگزیده شدند باید مسئول و پاسخ‌گوی اقدامات و عملکرد و تصمیمات خود باشند. از این جهت عموم مردم می‌توانند نسبت به اعمال و تصمیمات آن‌ها نظارت داشته باشند و در صورت تخطی می‌توانند طبق قوانینی که خودشان وضع نمودند آن‌ها را عزل نمایند. معمولاً در نظام‌های نمایندگی نهادهای قوی برای نظارت وجود دارد.

ضمانت اجرای این نوع نظارت در صورتی است که اقدامات و تصمیمات و عملکرد حاکمان یا برگزیدگان مردم خلاف خواست‌های ملت می‌باشد. از این‌رو به جهت دوره‌ای بودن انتخابات در دوره بعد پاسخ مناسبی از ملت دریافت می‌کنند. بدیهی است در نظامی که مبتنی بر نمایندگی است، همه ساختارهای آن توسط قوه مؤسس بنا شده و اراده

۱- در نظام حقوقی کشورها که مبتنی بر نظام نمایندگی است مطابق اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد» اما در مورد شوراهای محلی قانون‌گذار اساسی سکوت نموده است ولی قانون‌گذار عادی این وظیفه را در صلاحیت هیأت مرکزی نظارت منتخب مجلس شورای اسلامی و تشکیل از نمایندگان مجلس قرار داد.

ملت حائز اهمیت فراوان است. همچنین باید به این نکته اشاره نمود که مجلس به‌عنوان نماینده مردم (اصیل) بر حاکمان و مقامات سیاسی (غیر اصیل) نظارت می‌کند.

۲. شوراهای اسلامی شهر و روستا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

یکی از دستاوردهای مهم نظام جمهوری اسلامی ایران، گنجاندن اصول مربوط به شوراهای اسلامی شهر و روستا در قانون اساسی می‌باشد که خود از مظاهر دموکراسی و حاکمیت مردم به شمار می‌رود. هدف از ایجاد و تشکیل شوراهای اسلامی شهر و روستا شرکت دادن ملت در اداره امور است. از پایین‌تر سطح جامعه تا بالاترین سطح آن (از روستا گرفته تا کشور) و در تمام واحدهای سازمانی و واحدهای کار تا مردم بر اداره امور شهر و محلی که در آن زندگی می‌کنند. علاقه‌مند و احساس مسئولیت نسبت به آن داشته باشند. از نتایج مفید و مثبت اصل شوراها در جامعه اسلامی، دوری گزیدن از تمرکز قدرت، روی آوردن به محیط اجتماعی به‌منظور استفاده صحیح از توانایی‌ها و استعدادها، شکوفا و بی‌ظنیر ملت، برای حل‌وفصل و از بین بردن مشکلات و معضلات خودشان می‌باشد. با این اوصاف اصل مذکور باعث به وجود آمدن نظام عدم تمرکز در کشور شده است، چراکه در نقاط مختلف کشور مردم محل اداره امور خود را بر عهده می‌گیرند و دیگر این که شورا یکی از ارکان مهم و اصلی جامعه اسلامی به شمار می‌رود، حتی خداوند متعال در قرآن کریم شورا را مبنای اصلی و رفتار متقابل مردم جامعه دانسته است و آن را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته و ممتاز مؤمنان در ردیف اطاعت امر خدا یعنی خواسته خداوند را اجابت نمودن و نماز را برپا دارند و به کاری که بر انجام آن تصمیم گرفته‌اند مشورت می‌کنند (هاشمی، ۱۳۸۶: ۴۹۶). در این فرض، راه خودخواهی و استبداد بسته می‌شود و با ایجاد تلفیق افکار و اندیشه‌ها، زمینه همفکری و تفاهم و همبستگی و امنیت خاطر در بین افراد جامعه فراهم و بهترین تصمیم اتخاذ خواهد شد.

در یک نظام مردم‌سالار دینی، اصول قانون اساسی باید بتواند مردم‌سالاری دینی را تعریف و قابلیت‌های اجرای آن را مشخص نماید. این قانون باید علاوه بر عملی ساختن مشارکت مردم و پاسخ‌گویی به نیازهای مشروع آنان به تقویت چارچوب اساسی نظام یعنی اسلامی بودن آن پردازد. قانون اساسی بنابراین باید بتواند با مبنا قرار دادن حاکمیت ملی و راه‌های اعمال آن از جمله انتخابات، شوراها، همه‌پرسی و غیره، راه‌های تحقق نظام مردم‌سالار دینی را فراهم و به‌گونه‌ای بین حاکمیت دینی و مردم‌سالاری دینی تلفیق و هماهنگی به وجود آورد (توسلی‌نائینی، ۱۳۸۵: ۷۵)؛ بنابراین در نظام مردم‌سالار دینی در تدوین اصول قانون اساسی باید معیارهای نظام مردم‌سالار و نظام دینی در آن وجود داشته باشد.

از آنجایی که حاکمیت خدا و دین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ متجلی شده است، به‌موازات آن حاکمیت مردم در نحوه شکل‌گیری خود قانون اساسی و موارد دیگر آن مورد توجه قانون‌گذاران تدوین قانون اساسی قرار گرفته است. «تأکید قانون اساسی در اصول متعدد مانند اصول؛ اول، ششم و پنجاه و ششم بیانگر این است که یک مبنای دینی در سپردن حق حاکمیت به مردم وجود دارد. مقنن اساسی این موضوع را مورد توجه قرار داده است که قوا و نهادها در جایگاه نمایندگی ملت قرار دارند و هیچ شأنی مستقل از ملت ندارند و بر همین اساس، فصل پنجم قانون اساسی به «حاکمیت مردم و قوای ناشی از آن» اختصاص یافته است تا حق تعیین سرنوشت مردم در چهارچوب یک نظام نمایندگی تضمین شود» (دیرنیا، ۱۳۹۵: ۱۱۸).

اصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران که از طریق همه‌پرسی در سال ۱۳۵۸ صورت گرفت و دیگر این که در همین اصل به صراحت آمده است که «حکومت جمهوری اسلامی ایران با رأی مثبت ملت پایه‌گذاری شده است» و نشانگر این است که برپایی نظام جمهوری اسلامی ایران متکی به اراده ملت است و برخاسته از همه‌پرسی است که با اراده ملت صورت پذیرفت. از این رو می‌توان گفت که خود اسلامیت ناشی از اراده و اقبال مردم بوده است. تشکیل مجلس مؤسسان جهت تدوین و تنظیم قانون اساسی یکی از دیگر از نشانه‌های توجه به حاکمیت ملی (اراده ملت) در نظام جمهوری اسلامی ایران است که مبین اراده تاریخی ملت ایران به حساب می‌آید و همچنین بر اساس حاکمیت ملی (جمهوریت) هرگونه انحراف به سمت اقتدار غیر مردمی برای همیشه بسته است.

مطابق اصل ششم قانون اساسی، در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکا آراء عمومی اداره شود از راه انتخابات انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای، نظایر این‌ها یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر قانون اساسی مقرر می‌گردد؛ بنابراین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول ششم (اتکا به آرای مردم) و هفتم (تأسیس نهاد شورا) و همچنین فصل هفتم قانون اساسی به امر شوراهای به‌خصوص شورای محلی پرداخته است؛ بنابراین در این قسمت نیاز داریم تا ضمن بیان شرایط منتخبین و صلاحیت شوراهای اسلامی شهر و روستا و همچنین نظارت بر آن‌ها را در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مطابق با مؤلفه‌های نظام نمایندگی بررسی و تحلیل نماییم.

۲-۱. انطباق شوراهای اسلامی شهر و روستا با مؤلفه‌های نظام نمایندگی

۲-۱-۱. شرایط نامزدها در شوراهای اسلامی شهر و روستا

مطابق ماده ۲۶ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران نامزدهای انتخاباتی (انتخاب شونده‌گان) هنگام ثبت‌نام باید دارای شرایط زیر باشند.

الف: تابعیت ایران: مطابق ماده ۹۸۲ قانون مدنی عضویت در شوراهای استان، شهرستان و شهر را منوط به داشتن تابعیت اصلی کرده است؛ بنابراین برای داشتن عضویت در شوراهای مذکور داشتن تابعیت اصلی لازم است ولی برای عضویت در شوراهای روستا و بخش تابعیت اکتسابی هم پذیرفته می‌شود.

ب: داشتن حداقل ۲۵ سال سن.

ج: اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه.

د: ابراز و وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

ه: تحصیلات و دارا بودن سواد خواندن و نوشتن برای شوراهای تا دویست خانوار... و داشتن حداقل مدرک تحصیلی لیسانس یا معادل آن برای شورای شهرهای بالا بیست هزار نفر.

نامزدهای شوراهای اسلامی شهر و روستا دارای دو شرایط دیگر می‌باشند. یکی اینکه عقلانی باشد و دیگری اینکه عینی باشد.

منظور از عقلانی بودن شرایط نامزدها این است که در انتخابات شوراهای نامزدها (انتخاب شوندگان) مورد تأیید خرد عمومی باشد، دارای سن خاص باشند، در حال حاضر سن ۲۵ سال می‌باشد که به نظر می‌رسد قابل توجیه است، چراکه در این سن فرد به پختگی لازم رسیده است و دیگر اینکه دارای تحصیلات باشد.

منظور از عینی بودن در شرایط نامزدها این است که شرایط نامزدها باید قابل احراز باشد و مصداق عینی را داشته باشد. برای مثال حسن خلق ذهنی است، بعضی از شرایط ذکر شده در ماده ۲۶ قانون شوراهای ذهنی است که به نظر قابل توجیه نیست. علی‌القاعده شرایط باید عقلانی و توجیه‌پذیر باشند. مثلاً بحث برابری در انتخاب و اقلیت‌های مذهبی و اینکه چرا آن‌ها نمی‌توانند در شهرهایی که در اقلیت هستند نامزد انتخابات شوند؛ بنابراین باید بینیم در شرایط شوراهای کدام یک عینی است و کدام یک عقلانی؛ برای مثال حسن خلق ذهنی است زیرا سلیقه‌ای است یا اینکه برابری ذهنی است. همین شرایط ذهنی بودن موجبات سوءاستفاده را فراهم می‌آورد. به نظر می‌رسد در مطابقت با یک نظام نمایندگی که مبتنی بر حقوق بشر می‌باشد و عقلانی بودن و عینی بودن، برابری پاسخگویی و... از شرایط آن می‌باشد و این شرایط در موضوع شوراهای دچار نقصان است و شایسته است که تدابیری اتخاذ شود تا شرایط نامزدها در شوراهای عینی و عقلانی باشد تا ذهنی، چراکه شرایط ذهنی برخلاف نظام نمایندگی که عقلانیت یکی از ابزارهای آن می‌باشد، سبب می‌شود تا مقامات ناظر در امر شوراهای سلیقه‌ای و به‌صورت دلبخواهانه عمل کنند.

۲-۱-۲. انتخابی بودن

اصل یک‌صدم قانون اساسی به صلاحیت بر انتخابی بودن اعضای شورای شهر تأکید می‌کند. انتخابی بودن، اصلی عقلانی است که بر اساس آن حکومت‌ها می‌توانند از شهروندان خواستار اطاعت و فرمان‌برداری شوند.

انتخابی بودن نهاد عدم تمرکز باید اساسی و حیاتی است، یعنی مردم در انتخابات آزاد، نامزدهای مورد نظر خود را برای اداره امور انتخاب می‌کنند. از این‌رو نهادهای غیرمتمرکز قدرت خود را از مردم می‌گیرند و در نظام جمهوری اسلامی از این جهت که اداره امور عمومی محل توسط مردم محل در طی یک فرآیند انتخاباتی منصفانه صورت می‌پذیرد، بنابراین به لحاظ ساختاری مشروعیت نهادهای عدم تمرکز (شوراهای اسلامی شهر و روستا) مبتنی بر نظام دموکراسی نمایندگی است.

۲-۱-۳. صلاحیت شوراهای

اصل هفتم قانون اساسی شوراهای را در ردیف مجلس شورای اسلامی از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور قلمداد نموده است و با توجه به مطلب صدرالذکر به نظر می‌رسد که شوراهای که یکی از ارکان تصمیم‌گیری هستند، صرفاً در حد شور و مشورت نیستند بلکه در اداره امور کشور همانند مجلس شورای اسلامی در تصمیم‌گیری‌ها دخیل و تأثیرگذار هستند و دارای نقشی همسان با مجلس می‌باشد. البته این جایگاه در محدوده‌ای متفاوت می‌باشند و قانون‌گذار اساسی به ایفای نقش مردم از اتخاذ تصمیمات از سوی آن تأکید فراوان داشته است.

در نظام حقوقی کشور ما شوراهای اسلامی شهر و روستا به روش غیرمتمرکز تحت نظارت دولت مرکزی عمل می‌کنند در سیستم عدم تمرکز چند دسته صلاحیت وجود دارد:

الف: صلاحیت‌هایی که ذاتاً محلی‌اند.

ب: صلاحیت‌های که ذاتاً ملی‌اند.

ج: صلاحیت‌هایی که مرددند بین امور ملی و محلی

با توجه به پذیرش عملی عنوان «صلاحیت ذاتی» در ادبیات حقوقی سیستم غیرمتمرکز، شورا عملاً در امور محلی صلاحیت ذاتی دارد و دولت محلی در امور محلی حق دخالت ندارد، هرچند امکان نظارت در امور محلی را دارد (حبیب نژاد، ۱۳۸۸: ۱۱۷). در نظام حقوقی کشور اصل بر ملی بودن امور است و در هنگام تردید بین امور ملی و محلی، اصل بر این است که امور ملی است نه محلی و این مسئله باعث می‌شود که صلاحیت شوراهای هم به لحاظ کیفی و هم کمی با محدودیت مواجه شود و نتواند انتظارات مشروع و پاسخ مردمی را که به او اعتماد کردند و انتخابش نمودند، بدهد.

نکته‌ای دیگر اینکه شورای نگهبان، صلاحیتی مضیق برای شوراهای اسلامی در نظر گرفته و صلاحیت آن را محدود به نظارت دانسته است. آن هم نظارت اطلاعاتی نه استصوابی، ولی به نظر می‌رسد نظر شورای نگهبان قابل تأمل است. به جز اصول هفتم و یک‌صدم، دو اصل دیگر در ارتباط با شوراهای وجود دارد که نشان می‌دهد بنای قانون‌گذار بر این بوده است که تصمیم‌گیری برای اداره امور محلی را به شوراهای بسپارد همان‌گونه که تصمیم‌گیری برای اداره امور ملی را به مجلس شورای اسلامی سپرده است.

اصل یک‌صد و سوم بیان می‌دارد: «استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراهای ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.» با توجه به این اصل به نظر می‌رسد که شوراهای اسلام نه تنها ناظر نیستند بلکه تصمیم‌گیر هستند. البته تصمیم‌گیری در حوزه محلی؛ همچنین حیطه صلاحیت آنها برای تصمیم‌گیری شامل صلاحیت مقامات محلی هم می‌شود و آنها مکلف به تبعیت از تصمیمات شوراهای هستند.

عبارت رکن تصمیم‌گیری و اداره امور کشور در متن اصل ۷ قانون اساسی به درستی نقش نهاد شوراهای را آشکار می‌نماید. قانون‌گذار اساسی با بیان این تفاسیر در صد بیان شأن تصمیم‌گیری و ایجابی شوراهای است و مجال این برداشت که شوراهای صرفاً نهادهای تشریفاتی، مشورت دهنده و یا نظارت‌کننده‌اند را از بین می‌برد. این واژه تصمیم‌گیری به صراحت مبین این واقعیت است که شأن دخالت مستقیم در اداره امور و تأثیرگذاری بر امور محلی را دارند.

۲-۱-۴. ملی بودن

همان‌طور که قبلاً بیان نمودیم یکی از مؤلفه‌های شکلی دموکراسی‌ها مبتنی بر نظام نمایندگی، ملی بودن نمایندگان است. از این جهت در اینجا جهت مطابقت صلاحیت شوراهای^۱ با نظام نمایندگی ذکر این نکته لازم است که مطابق اصول یک‌صد و دوم و یک‌صد و سوم نیز شورای عالی استان‌ها می‌توانند مستقیماً یا از طریق دولت پیشنهاد طرح به مجلس دهند.

بنابراین مطابق این اصول صلاحیت شوراهای اسلامی، نمایندگی آنها ملی است لذا از این جهت می‌توان گفت در یک نظام دموکراسی نمایندگی صلاحیت شوراهای هم محلی است و هم ملی. در نظام مبتنی بر نمایندگی صلاحیت نمایندگان برخلاف نمایندگان شوراهای ملی است. همان‌گونه در سطور بالا اشاره شد مطابق اصول یک‌صد دوم و یک‌صد سوم قانون اساسی نمایندگان مردم در شوراهای می‌توانند در سطح ملی تصمیم‌گیری کنند. از یک‌سو، در سطح منطقه، مقامات سیاسی از جمله استاندار در حدود اختیارات ملزم به رعایت از تصمیمات آنها است، اختیارات شوراهای

۱- صلاحیت شوراهای اسلامی شهر و روستا در اصل محلی است؛ اما مطابق اصول ذکر شده صلاحیت ملی دارند.

قابل توجه است. از سوی دیگر، مصوبات شوراهای اسلامی باید به تأیید وزارت کشور و عوامل زیرمجموعه آن برسد، باعث می‌شود صلاحیت تصمیم‌گیری شوراهای محدود و مضیق شود.

۲-۱-۵. پاسخ‌گویی

پاسخ‌گویی اساساً در نظام‌های مبتنی بر نظام نمایندگی معنا پیدا می‌کند یعنی جایی که رابطه و ارتباط بین مردم و حاکمان بر اساس رابطه اصیل (مردم) و وکیل (حاکمان) طراحی شده است. در چنین ارتباطی شرایط و ارتباط معمولاً مشخص است و حاکمان به‌عنوان نمایندگان شهروندان تنها مجازند تا در محدوده معین اقدام نمایند. همین امر هم در مورد شوراهای اسلامی محلی شهر و روستا متصور است و نمایندگان آن‌ها در امور محلی باید پاسخگوی اقدامات و عملکرد خود باشند. در یک نظام نمایندگی که دارای ساختار سیاسی است، قدرت اصلی متعلق به مردم است که به‌صورت محدود و معین به مقامات سیاسی سپرده می‌شود و در صورت نارضایتی از حاکمان، مردم به‌راحتی می‌توانند از تفویض قدرت خود رجوع کنند و افراد دیگری را جایگزین نمایند. در شوراهای اسلامی شهر و روستا که به شیوه غیرمتمرکز اداره می‌شوند در صورت نارضایتی از اقدامات و عملکرد منتخبین خود که به نیابت از آن‌ها نمایندگی می‌کنند می‌توانند به‌راحتی از قدرت خود رجوع کنند و نمایندگانی پاسخ‌گو جایگزین کنند.

۲-۱-۶. مصونیت شوراهای اسلامی و مطابقت آن با نظام نمایندگی

در نظام مبتنی بر نمایندگی، نمایندگان مردم دارای مصونیت هستند. هدف از مصونیت این است که نماینده مجلس در حین ایفای وظایفش ذیل نفوذ مراکز قدرت قرار نگیرد. همچنین بر اساس اصل تعرض ناپذیری نمایندگان در صورت متهم شدن به ارتکاب جرم خارج از وظیفه نمایندگی‌شان از همان ابتدا از هرگونه تعقیب یا توقیف که مانع از ایفای وظیفه نمایندگی‌شان می‌شود مستثنا هستند و از مصونیت برخوردارند. این نمایندگان حتی دارای مصونیت ماهوی هستند و در این از مصونیت نمایندگان مجلس قانون‌گذاری، به مناسبت گفتار، نوشتار و اعمال خود در اجرای وظایف و تکالیف قانونی، نباید مورد تعقیب و مؤاخذه قرار گیرند در حالی که نمایندگان مردم در شوراهای اسلامی شهر و روستا از مصونیت برخوردار نیستند. آیا اگر نماینده‌ای از نمایندگان شورا در ایفای وظایف خویش و اظهار و نظرهایی که می‌کند از مصونیت قضایی برخوردار است؟ به‌عبارت‌دیگر، رسیدگی به تخلفات و جرائم اعضای شوراهای تابع نظم و ویژه‌ای است؟ در هر صورت باید اذعان کرد که این‌ها هم نماینده مردم در امور محلی هستند، درخواست‌هایی که دارند ممکن است در معرض اتهام‌های بی‌اساس و واهی و انتقام‌جویانه قرار گیرند. منتخبین شوراهای مطابق اصول یک‌صد و یکم و یک‌صد دوم می‌توانند پیشنهاد طرح به مجلس دهند و تنها این اصول ذکر شده با نظام نمایندگی مطابقت دارد و گرنه در بعد مصونیت فاصله زیادی با نظام نمایندگی وجود دارد. بدیهی است نمایندگان مجلس هم از مصونیت کامل در نظام حقوقی ما برخوردار نیستند و در هر صورت باید سازوکار لازم در جهت حمایت از منتخبین مردم در شوراهای اسلامی شهر و روستا همانند نمایندگان مجلس شورای اسلامی اتخاذ گردد تا آن‌ها هم بتوانند در راستای وظایف خویش بدون واهمه و به راحتی اظهار و نظر کنند.

۲-۱-۷. نظارت بر شوراهای اسلامی شهر و روستا

نظارت بر شوراهای شامل دو قسم است: ۱. نظارت قیمومتی. ۲. نظارت قضایی.

قبل از ورود به این دو قسم نظارت لازم است این نکته بیان شود که نظارت بر انتخابات شوراهای بر عهده مجلس شورای اسلامی است که از طریق هیأت‌های نظارت صورت می‌گیرد و مجلس شورای اسلامی اقدام به انتخاب ۵ نفر از نمایندگان مجلس برای تشکیل هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای می‌نماید.

۱- نظارت قیمومتی: این نوع نظارت پیشینی و سختگیرانه است لذا صلاحیت تصمیم‌گیری شوراهای محدود می‌کند. شوراهای اسلامی شخصیت مستقل از دولت دارند اما این به معنای عدم نظارت دولت بر این نهادها نیست. دولت مرکزی بر نهادهای غیرمتمرکز از جمله شوراهای محلی نظارت قیمومتی و قانونی اعمال می‌کند. دولت مرکزی از این طریق بر مقامات و نهادهای غیرمتمرکز اداری اعمال نظارت می‌کند. این نظارت مبتنی بر اصل هماهنگی بوده و مشروط، عرضی و خفیف است. در نظارت قیمومتی اصل بر آزادی نهادهای غیرمتمرکز است و موارد مداخله دولت را قانون‌گذار مشخص می‌نماید.

این نوع نظارت برخلاف نظارت سلسله‌مراتبی است که دولت مرکزی بر مقامات نهادهای متمرکز اداری اعمال می‌کند (مؤتمنی طباطبائی، ۱۳۹۰: ۸۳-۸۲). لازم به ذکر است دولت به‌غیر از نظارت ذکر شده از طریق هیأت‌های حل و اختلاف نظارت قانونی خود را بر شوراهای اعمال می‌کند و این هیأت سه درجه‌ای هستند که ما از ذکر و بیان آن‌ها صرف‌نظر می‌کنیم.

۲. نظارت قضایی: این نوع نظارت پسینی است در صورتی که تخلفی از قوانین و تصمیمات شوراهای اسلامی شهر و روستا صورت پذیرد و یا اینکه تصمیمات آن‌ها خارج از حدود صلاحیت و یا خارج از قانون و یا خلاف شرع باشد، این نوع نظارت اعمال می‌گردد. مردم از تصمیمات و اقدامات خلاف قانون و یا شرع شوراهای به دیوان عدالت اداری شکایت می‌کنند و در امور شخصی افراد می‌توانند علیه آنان در دادگاه‌های عمومی اقامه دعوی کنند.

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی در مورد نظام نمایندگی و شوراهای اسلامی و میزان مطابقت این شوراهای با مؤلفه‌های نظام نمایندگی، می‌توان نتایج زیر را برشمرد:

۱- دموکراسی نمایندگی نظامی مبتنی بر قرارداد اجتماعی است که مردم در یک فرایند انتخاباتی، فرمانروایان خویش را برمی‌گزینند.

۲- نظام نمایندگی دارای مؤلفه‌هایی همچون انتخابات، پاسخگویی، نظارت‌پذیری، مصونیت داشتن، برابری، ملی بودن و قائم به شخص بودن سمت نمایندگی است.

۳- انتخابات یکی از روش‌های تحقق مشارکت سیاسی شهروندان است و برگزاری آن یکی از شاخص‌های اساسی نظام نمایندگی است. این مؤلفه در نهادهای غیرمتمرکز که پس از طی کردن فرایند انتخابات قدرت خود را از مردم می‌گیرند و در نظام جمهوری اسلامی ایران اداره امور عمومی محل توسط مردم محل در طی یک انتخابات آزاد و منصفانه صورت می‌پذیرد؛ بنابراین به لحاظ ساختاری، مشروعیت نهادهای عدم تمرکز (شوراهای اسلامی شهر و روستا) مبتنی بر نظام دموکراسی نمایندگی است و از این جهت با نظام نمایندگی مطابق است.

۴- از جهت مطابقت باید اذعان داشت که شوراهای اسلامی در مؤلفه‌هایی همچون پاسخگویی، قائم به شخص بودن سمت نماینده، مطابق نظام دموکراسی نمایندگی است. نمایندگان مردم در شوراهای اسلامی در امور محلی باید پاسخ‌گوی عملکرد و تصمیمات خود در مقابل مردم (اصیل) باشند. به عبارت دیگر، نماینده ملزم به پاسخ‌گویی به اصیل است.

۵- صلاحیت شوراهای اسلامی شهر و روستا در اصل محلی است اما در نظام مبتنی بر نمایندگی صلاحیت نمایندگان برخلاف نمایندگان شوراهای ملی است اما یک استثنایی است و آن اینکه مطابق اصول ۱۰۲ و ۱۰۳ قانون اساسی از آن جهت که شورای عالی استان‌ها می‌توانند مستقیماً یا از طریق دولت پیشنهاد طرح به مجلس دهند؛ بنابراین مطابق این اصول صلاحیت شوراهای اسلامی، نمایندگی آن‌ها به نوعی نیز ملی است.

۶- در نظام مبتنی بر نمایندگی، نمایندگان مردم دارای مصونیت پارلمانی هستند، باین وجود، نمایندگان مردم در شوراهای اسلامی شهر و روستا از مصونیت برخوردار نیستند. درحالی که این‌ها هم نماینده مردم هستند. از این رو پیشنهاد می‌شود سازوکاری در جهت حمایت از منتخبین مردم در شوراهای اسلامی شهر و روستا همانند نمایندگان مجلس شورای اسلامی اتخاذ گردد تا آن‌ها هم بتوانند در راستای وظایف خویش بدون اهمه و به راحتی اظهار نظر کنند.

۷- در بحث نظارت در نظام نمایندگی، معمولاً در تمامی دموکراسی‌ها مبتنی بر نظام نمایندگی مقامات سیاسی و صاحب‌منصبانی که توسط ملت برگزیده شدند، باید مسئول و پاسخ‌گوی اقدامات و عملکرد و تصمیمات خود باشند. از این جهت عموم مردم می‌توانند نسبت به اعمال و تصمیمات آن‌ها نظارت داشته باشند. به عبارت دیگر، نسبت به عملکرد و اقدامات آن‌ها، نظارت همگانی صورت می‌پذیرد و در صورت تخطی، مردم می‌توانند از تفویض قدرت خود رجوع نمایند. معمولاً در نظام‌های نمایندگی، نهادهای قدرتمندی برای نظارت وجود دارد، ولی در شوراهای اسلامی شهر و روستا علاوه بر نظارت همگانی (عموم مردم)، دولت مرکزی نیز از دو طریق بر آن‌ها نظارت دارد: ۱- نظارت قانونی خود را از طریق هیأت‌های حل و اختلاف بر آن‌ها اعمال می‌کند. ۲- نظارت قیمومتی که از این طریق نیز بر آن‌ها نظارت دارند، ولی حق دخالت ندارد. نظارت قضایی بر این نهاد و مقامات آن در صورتی که تصمیماتی خارج از حدود صلاحیت و یا خارج از قانون و یا خلاف شرع اتخاذ نمایند از طریق مردم در دیوان عدالت اداری صورت می‌پذیرد.

۸- صلاحیت شوراهای اسلامی در مقایسه با نظام نمایندگی محدود است، چراکه صلاحیت آن‌ها محلی است و مصوبات شوراهای اسلامی باید به تأیید مجموعه وزارت کشور برسد و همین امر سبب می‌شود صلاحیت تصمیم‌گیری آن‌ها را محدود و مضیق کند.

منابع

- ابراهیمی، قاسم، ۱۳۸۱، «مصونیت پارلمانی از نگاه فقه»: فصلنامه فقه اهل بیت، قم، موسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، ش ۳۰.
- بوشهری، جعفر، ۱۳۸۴، حقوق اساسی؛ اصول و قواعد، تهران، چ اول، شرکت سهامی انتشار.
- تقی‌زاده، جواد و طیبه کریم زاده شریف‌آباد؛ ۱۳۹۳، اصل برابری و نظارت قانونی بر اجرای انتخابات نهادهای سیاسی؛ مجله مطالعات حقوقی، ش ۸.
- توسلی‌نائینی، منوچهر، ۱۳۸۵، «جایگاه و نقش قانون اساسی در مردم‌سالاری دینی با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ش ۱۳.
- جعفری‌لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۷، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۵، چ اول، تهران کتابخانه گنج دانش.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و سعید درید موسوی مجاب؛ ۱۳۸۲، «مصونیت پارلمانی در حقوق کیفری» مجله مدرس علوم انسانی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ش ۳۱.
- حبیب‌نژاد، سیداحمد، ۱۳۸۸، بررسی حقوقی شوراهای اسلامی شهر و روستا در پرتو اصول تمرکز زدایی، مجله حقوق اسلامی، ش ۲۰.
- خسروی، حسن، ۱۳۸۷، حقوق انتخابات دموکراتیک، تهران، انتشارات مجد.
- دادفر، حبیب، ۱۳۴۲، پارلمان، اطلاعات.
- دال، رابرت، ۱۳۷۸، درباره دموکراسی، ترجمه حسن فشارکی، نشر شیرازه.
- دبیرنیا، علیرضا، ۱۳۹۵، تحلیلی بر مفهوم نظام نمایندگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «با نگاهی تطبیقی به اندیشه سیاسی غرب»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۳، شمار اول.
- دبیرنیا، علیرضا، ۱۳۹۳، قدرت مؤسس (کاوشی در حقوق اساسی مدرن)، تهران، شهر دانش، چاپ اول.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱۳.
- ریال، آلن، به گامی پیترز، ۱۳۹۰، سیاست و حکومت جدید، ترجمه عبدالرحمان عالم، انتشارات قومس، چاپ دوم.
- شهیدی، سید جعفر، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ج ۲.
- ضیایی، سیدياسر و آیت‌الله جلیلی مراد، ۱۳۹۳، قلمرو شکلی و ماهوی مصونیت پارلمانی در نظام حقوقی ایران، فصلنامه حقوق اسلامی، ش ۴۱.
- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۹، دانشنامه فقه سیاسی، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲، چ اول.
- قاری سیدفاطمی، سید محمد، ۱۳۸۰، تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر: حق، تعهد، آزادی، برابری و عدالت. مجله تحقیقات حقوقی، ۳۳ و ۳۴.
- قاضی شریعت‌پناهی، سید ابوالفضل، ۱۳۸۸، بایسته‌های حقوق اساسی، نشر میزان، چاپ ۳۵.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون مدنی ایران.
- قانون نظارت بر رفتار نمایندگان.

- قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی. کنستانت، بنژامین، ۱۳۸۹، شور آزادی، ترجمه عبدالوهاب احمدی، نشر آگه.
- لاکلین، مارتین، ۱۳۸۸، مبانی حقوق عمومی، ترجمه محمد راسخ، تهران، نشر نی.
- مظهری، محمد، ۱۳۹۵، «تأملی بر فرآیند انتخابات شوراهای شهر و روستا در ایران و فرانسه»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره هفتم، شماره ۲.
- ملک‌افضلی‌اردکانی، محسن و همکاران: ماهیت نمایندگی از منظر فقه سیاسی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ حکومت اسلامی، بهار ۱۳۹۳، ش ۷۱.
- مؤتمنی طباطبایی، منوچهر، ۱۳۸۰، حقوق اساسی (کلیات و رژیم‌های مهم سیاسی)، تهران، انتشارات میزان، چ اول.
- مؤتمنی طباطبایی، منوچهر، ۱۳۹۰، حقوق اداری، تهران، انتشارات سمت، چ ۱۶.
- نوروزی، محمدجواد، ۱۳۹۳، «نظارت عمومی؛ مردم‌سالاری دینی»، مجله اندیشه‌های حقوق عمومی، سال سوم، ش دوم.
- وکیلان، حسن، «مبانی نظری و شیوه‌های اعمال نظارت بر رفتار نمایندگان»، مجلس و راهبرد، زمستان ۱۳۹۰، ش ۶۸.
- هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۸۶، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (حاکمیت و نهادهای سیاسی)، تهران، نشر میزان، ج ۲، چ ۱۵.
- Brich, A.H. Representation (Key Concepts iupolitical Science) Macmillau. 1971.
- Christopher.hill. puritanism and Revolution, Sekevand Warbung. 1985.
- De Villiers, Michel: Dictionnaire de droit constitutionnedl, paris, Armand Colin, 2e edition, 1992.
- Eulau Heinz John. Wanker. William Buchanan. The rule of the representative: Some empirical observations on the theory of demand burke. The American political science. Vol53. No3. Sep 1959.
- Lindberg, S. I. (2009). Accountability: The Core Concept and its Subtypes, Working Paper, No. 1, Available Online at: Outputs/APPP/APPP-WP1.
- Rush, Marx, Voting Rights and Redistricting in United States, (Westpart Greenwood Press, 1988).
- Sasna Hardt, Parliamentavy Immunity, A Comprehensivestury of the Systemsin parlیمان tary, Immunity of the unted Kiugdom; France, and the Netuerlands in a Earopenu Context, Interseutia, 2013.
- Marongiu.Antion.Medieval Parliaments: A Gomparntlve Study. London Eyre & Spotti Swoode. 1968.

